

# احكام موسيقي و سرود از ديدگاه اسلام

تأليف:

شيخ احمد بن عبدالعزيز حمدان

مترجم:

عبدالرحيم سالارزهی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

**www.aqeedeh.com**

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

#### سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

۳.....	سخنی از مترجم
۵.....	مقدمه
۱۳.....	<b>باب اول: سرود [آواز] و انواع آن</b>
۱۵.....	فصل اول: انواع آوازهای جایز و مباح
۱۵.....	تعریف موسیقی:
۱۶.....	انواع آوازهای مباح
۲۱.....	فصل دوم: انواع ساز و آواز حرام و ناجایز
۲۳.....	<b>باب دوم: دلایل تحریم کننده موسیقی و ساز و آواز</b>
۲۵.....	فصل اول: تحریم موسیقی و آواز از دیدگاه قرآن
۳۳.....	فصل دوم: احکام آواز خوانی از دیدگاه سنت
۴۳.....	فصل سوم:
۴۵.....	فصل چهارم: موسیقی و آواز خوانی از دیدگاه مذاهب چهار گانه
۴۹.....	فصل پنجم: اجماع
۵۰.....	دلایل
۵۷.....	خاتمه



## سخنی از مترجم

الحمد لله نحمده ونصلي على رسوله الكريم

یکی از بلاهای اجتماعی خاور زمین در قرن معاصر، بلای «موسیقی و سرود» است که بذر این بلای واگیر به دست پرورش یافتگان دست استعمار آبیاری و بارور گردیده و در مدت کوتاهی تکثیر و به همه کشورهای اسلامی صادر گردیده و میراثهای گرانبهای مسلمانان و بازمانده تمدنهای باستانی این گهواره تمدن را در نخستین شعله‌های خود طعمه حریق ساخته است.

گروهی از علما و نویسندگان درد آشنا، همچون مولانا عبدالحسن ندوی، مولانا الیاس کاندهلوی و شیخ احمد بن عبدالعزیز حمدان و دیگر بزرگان و مشایخ کرام، عمق خطر را دریافتند و با قدرت به جنگ این بلای جهنم سوز شتافتند و با مقاله‌ها و رساله‌ها و محنت‌ها و تلاش‌های فراوان خود توانستند در حد توان از گسترش این شعله‌ها جلوگیری کنند و با تزریق روح اعتماد به نفس، به بازگشت امت اسلامی از دره سقوط و از خود بیگانگی امیدوار شوند.

موسیقی و آواز خوانی یکی از مشکلات جهان اسلام است که مورد توجه تعدادی از نویسندگان متعهد و آگاه قرار گرفته و آثار ارزشمندی در این رابطه انتشار یافته است که یکی از آنها این رساله کوچک شیخ احمد می‌باشد که به شکل بسیار بسیط ترتیب و تنظیم شده تا خوانندگان بدون برخورد با اشکالی بتوانند مطلب مورد نظر خود را در آن به آسانی دریابند.

عزیزان محترم: همانطور که اروپائیان از تحقیر مذهب و دور انداختن تعالیم دینی و محدود کردن آن به چار دیواری کلیسا، سقوط کردند. این خطر برای جهان اسلام نیز حتمی است، زیرا هر تقلید فرهنگی غرب، حس ابتکار را از بین می‌برد و حس خود کم بینی را به دنبال می‌آورد.

ملت مسلمان باید موقعیت یک ملت آزاد و مستقل و سربلند و متکی به نفس را به دست بیاورد؛ زیرا ملت مسلمان صاحب و نایب آخرین رسالت الهی است و باید این رسالت بر توده جهان چیره شود و سیطره آن بر همه شئون مختلف گسترش یابد. منطق وحی از دیر باز ملت مسلمان را شایسته خلافت، نیابت و وراثت دانسته و خطاب به ملت مسلمان نیز فرموده (در راه خدا با تمام نیرو جهاد کنید) و این به تجربه ثابت شده که هیچ ملتی جز در پرتو انجام رسالت و وظیفه ارشاد و هدایت که همانا (دعوت و تبلیغ) می باشد، به مقام رهبری و پیشوایی نرسیده است، و نمونه روشن و مصداق زنده آن صدر اسلام می باشد که مسلمان با رهبری پیامبر عظیم الشان به مرحله مافوق تصویری از تمدن و ترقی رسیدند که مورد ستایش همه دانشمندان جهان قرار گرفته و هرگز مورخ منصفی دیده نشده که به اهمیت آن دوره اعتراف نکند و سر تعظیم فرود نیاورد.

الحمد لله امروزه نیز یک نهضت اسلامی و بی سر و صدا به نام (دعوت و تبلیغ) در دنیا بوجود آمده که با کمال آرامش و ریشه داری در سر تا سر جهان به کار خویش ادامه می دهد و رهبری آن را طبقه فهمیده و تحصیل کرده ای به نام «مولانا الیاس کاندهلوی» (رحمه الله) به عهده داشته و تاکنون نیز علمای حقانی و ربانی راه رو راه او هستند. الحمد لله اثرات خاص این کار در دنیا به وضوح دیده شده و تأثیراتی که بر انسان ها و بخصوص نسل جوانان گذاشته قابل وصف و توصیف نیست. امید است که این کار و محنت بتواند ملت مغرب زمین را از آتش سوزان و خانمان برانداز نجات دهد و به ملت مسلمان نیز مجد و عظمت دیرینه اش را باز گرداند. ان شاء الله

«وما توفیقی الا بالله توکلت والیه انیب»

پایان ترجمه: ۱۳۸۲/۶/۱۰

ابو سهیل عبدالرحیم سالارزهی

## مقدمه

الحمد لله وحده، والصلاة والسلام على من لا نبي بعده وعلى آله وصحبه.

اما بعد:

هنگامی که خداوند متعال پدر ما، حضرت آدم عليه السلام را از عدم آفرید و به فرشتگان دستور داد تا بر او سجده تعظیم بجا آورند. عمل تمرّد و بی‌اعتنائی ابلیس لعین را مبنی بر عدم سجده بر حضرت آدم عليه السلام بیان می‌دارد که چگونه ابلیس از حکم خداوند متعال سرپیچی کرد و امتناع ورزید و مستحق لعنت الهی تا روز قیامت شناخته شد و از رحمت الهی محروم گشت. هنگامی که ابلیس لعین از عاقبت کار خود با خبر شد، سوگند یاد کرد که اگر چنانچه خداوند وی را تا روز قیامت فرصت بدهد، فرزندان آدم را گمراه خواهد ساخت، و آنها را از راه خداوند متعال منحرف خواهد کرد و آنها را به ارتکاب گناه دستور خواهد داد.

خداوند متعال در همین ارتباط می‌فرمایند:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أُخِّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ لَأُحْتَنِكَ بِذُرِّيَّتِهِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾﴾ [الإسراء: ٦١-٦٣]

«و ای پیامبر ما، یاد کن زمانی را که گفتیم فرشتگان را که آدم را سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس، و گفت (ابلیس) آیا سجده کنم کسی را که از گل آفریده‌ای؟ گفت (ابلیس) آگاه کن مرا در مورد این شخص که او را بر من برتر شمردی اگر مرا تا روز قیامت مهلت دهی البته از بیخ بر کنم اولاد او را مگر اندکی، خداوند فرمودند: برو

پس هر کس از آنان، از تو پیروی کند پس به تحقیق دوزخ سزای همه شماست و این جزای کامل است».

هنگامی که خداوند متعال آدم علیه السلام و همسرش را بر زمین فرود آورد، او را از تلبیس ابلیس و مکر و فرییش بر حذر داشت و او را آگاهی داد که شیطان دشمن تو و فرزندان می باشد. و حضرت آدم و اولادانش سعی نمایند که در برابر توطئه شیطان هوشیاری را از دست ندهند و در هیچ قولی و فعلی از او پیروی ننمایند و راه خدا را در پیش بگیرند و از کتابش که بر پیامبری می فرستد اتباع و پیروی نمایند.

چنانکه خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقُلْنَا أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ [البقرة: ۳۶]

«و گفتیم در زمین فرود آید (در حالی که) بعضی از شما دشمن بعضی دیگر باشید و تا مدتی زمین محل آرامش و بهره‌مندی شما خواهد بود».

در جایی دیگر خداوند می فرماید:

﴿قُلْنَا أَهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

تَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۳۸]

«گفتیم همه شما به زمین فرود آید پس اگر از طرف من برای شما هدایتی بیاید پس هر کس از هدایت پیروی کرد پس برای آن جماعت نه ترسی است و نه غم و اندوه».

مقصود از «فمن تبع هداي» عمل به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. کسی که حلال آن دو را حلال و حرام آن‌ها را حرام بداند، خوشبخت و اگر نه زیانکار خواهد بود.

بزرگترین دست آویز ابلیس برای گمراهی انسان‌ها و دور کردن آن‌ها از راه خدا استفاده کرده از موسیقی و آواز خوانی می باشد. موسیقی و آواز خوانی که ابلیس سوگند یاد کرده که از آن‌ها به حیث بزرگترین وسیله و ابزار برای گمراهی انسان‌ها استفاده خواهد کرد. چنانکه تفصیل آن‌ها بعدا خواهد آمد.



پس ساز و آواز بزرگترین سبب از اسباب و عوامل رو گردانی از شنیدن کلام الهی است، و کسی که با چنین عمل نادرست و نامشروعی آلوده باشد، هرگز نمی‌تواند پیرو کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ گردد.

ساز و آواز (موسیقی و سرود) ایمان را از دل‌های می‌رباید و هنگامی که دل از ایمان تهی گشت آن وقت تمام اجزاء و جوارح بدن از پیروی اوامر و نواهی الهی دست می‌کشند و قلب، خالی از ایمان و به قرارگاه خشم پروردگار تبدیل می‌شود و بر ذکر و یاد خداوند، زبان سنگینی می‌نماید و اگر چنانچه گاهی اتفاق بیفتد که بنده، خدا را یاد کند این یاد از جهتی کم و نادر و به اعتبار دیگر، دل با زبان موافق نخواهد بود. موسیقی و ساز آواز راه را برای نفوذ شیطان بر انسان باز، و وی را از عمل کردن به اوامر الهی منع می‌کند.

هنگامی که شیطان زمام اختیار انسان را به دست گرفت، روح و جسم وی را به مثابه آشپزخانه فساد و گناه در می‌آورد، زیرا موسیقی از افشاندن فساد و تحریک خواهش‌های نفسانی مضائقه نمی‌کند.

موسیقی و آواز خوانی قطب مخالف بزرگترین عبادت‌ها که خداوند انسان‌ها را به ادای آن دستور داده است قرار می‌گیرد که، عبارتست از نماز؛ زیرا طبیعت نماز چنان است که انسان را از بی‌حیائی و منکرات باز می‌دارد. اما موسیقی تحریک دهنده این دو عنصر فساد می‌باشد و کسی که با این طرز تفکر و عقیده مخالفت می‌ورزد در حقیقت خویشتن را فریب می‌دهد و اگر ما (مؤلف) در این مورد به تفصیل صحبت کنیم سخن طولانی می‌شود و گنجایش آن در این رساله کوچک نمی‌باشد پس آنچه را که مختصراً ذکر می‌نماییم ان شاء الله برای ادای مطلب کافی خواهد بود.

برادر و خواهر مسلمانم!

باید بدانی که وقتی دشمن خدا یعنی ابلیس، سوگند یاد می‌کند که بر بندگان خدا مسلط و سیطره خواهد یافت و آن‌ها را گمراه خواهد کرد و خداوند نیز در پاسخ او

فرمودند: «هر چه خواهی بکن و دریغ مدار و انس و جن را به گمراهی بکشان عاقبت تو و پیروانت آتش دوزخ می‌باشد و کسی که اوامر و نواهی خداوند را به جا آورد البته در جنت مقیم خواهد بود».

امروزه مشاهده می‌کنیم که ابلیس از یهود و نصاری و دستیارانشان لشکری تعبیه کرده و تلاش می‌ورزند تا موسیقی و آواز خوانی را در صفوف مسلمانان راه بدهند؛ زیرا آن‌ها نتیجه گرفته‌اند که این دو عامل بزرگ از همه چیز بیشتر می‌توانند عقل و هوش ملت‌های مسلمان را برابیند و آن‌ها را به بی‌راهه بکشانند و نگذارند این ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود بیندیشند، بنابراین دنباله‌رو دیگران شده و با هر صدایی کنار آمده و دیگران را نیز از خداوند متعال دور می‌گردانند.

موسیقی و آواز خوانی بیش از بیانی‌های آتشین در نفس‌ها اثر می‌گذارد و خطابه‌ها و پروژه‌های علمی و کتاب‌های چاپی هرگز نمی‌توانند در روح و روان انسان‌ها بمانند ساز و آواز اثر ناگوار بگذارند. نغمه سرایی و ساز و آواز همیشه در اندیشه‌های شنوندگان خود تأثیرات منفی وارد کرده است و الفاظ و کلمات این آوازها انسان را از اندیشیدن طبیعی‌اش باز داشته است و به مرور زمان و گذشت قرن‌ها این مفاسد اجتماعی به شکل یک عقیده مستحکم دینی در آمده است در حالی که اگر ما این عبارات و کلمات را بررسی و شرح نماییم، به این نتیجه می‌رسیم که این الفاظ ناروا و دور از عفت زبان و قلم و بیانگر عقاید باطله است تا جایی که عامه مردم آن را نپذیرفته و مردود می‌شمارند چه رسد به اشخاص حقیقت جو و واقع بین. اما هنگامی که این الفاظ و کلمات به شکل آهنگ در می‌آیند، عقل‌های شنوندگان خود را می‌ربایند و مورد پذیرش واقع شده و خود آن‌ها را زمزمه می‌کند و مورد بحث و مناقشه قرار نمی‌دهد و به حرمت آن نیز توجهی نمی‌کند.

چون موسیقی و آواز خوانی خطرات بزرگی را در سیطره عقل انسان‌ها موجب می‌گردد، بنابراین ابلیس و سربازان یهود و نصرانی‌اش و کسانی که از آنان پیروی و

تبعیت می‌نمایند از هر فرصتی استفاده کرده و در سراسر جهان وسایل ارتباطات جمعی و رسانه‌های گروهی را قبضه کرده و تعداد بی‌شماری از مردان و زنان سراینده و آهنگ سازان و مؤلفین عبارات و الفاظ را که تضاد و تصادم صریح با احکام اسلام دارد استخدام می‌کنند و آن‌ها را به تمام وسایل تشویق و به پول و شراب و ابزار جنسی مجهز می‌گردانند و ملت‌های مسلمان را در جهتی سوق می‌دهند که با اسلام کاملاً مخالف و در ضدیت قرار می‌گیرند. بسیاری از آوازاها باعث شده که دختران جوان و عقیقه در آغوش گرگان درنده بشریت بیفتند. بسیاری از آوازاها سبب و عامل نشر افکار بی‌دینی لائیکی هستند و بسیاری دیگر باعث و مسبب پخش و نشر نعره‌ها و شعارهای ملی‌گرایی و منطقه‌ای شده است و به وحدت اسلامی صدمه زده‌اند و همچنین موارد بی‌شمار دیگر.

برادر و خواهر مسلمانان!

اینک متوجه و مواظب باش که یهود از بکار گرفتن ساز و آواز در پروتوکول سیزدهم حکمای صهیون این طور پرده بر می‌دارد: وقتی ما عشرت‌کده‌های جدیدی بگشاییم ملت‌های مسلمان و مردم از اشتغال به سیاست دست بردار می‌شوند و همین سرگرمی‌ها را در عشرت‌کده‌ها، سیاست تلقی می‌نمایند و برای این که ما آن‌ها را از فعالیت‌های جدید باز داریم باید ایشان را به انواع و اقسام مختلف خوش‌گذرانی و بازی‌ها سرگرم نگهداریم. و باید هر چه زودتر در جراید و اخبار از مردم بخواهیم تا در اشتراک در مسابقات مختلف و در تمام برنامه‌ها از قبیل برنامه‌های سرگرمی و ورزشی و نظیر آن‌ها ثبت نام بعمل بیاورند و اشتراک کنند. این وسایل و ابزار سرگرمی باعث می‌گردد که توده‌ها سرگرم نگهداشته شوند و از علاقه‌مندی و تعقیب مسائلی که با ما اختلاف نظر و عقیده دارند صرف نظر نمایند. در این صورت ملت به صورت تدریجی استقلال و اعتماد به نفس خود را از دست داده. و از نعمت اندیشه محروم می‌ماند،

آنگاه ما به شکل انحصاری تنها جامعه‌ای خواهیم بود که اهلیت خواهد داشت و اندیشه‌های جدیدی با برنامه خاص برای این ملت‌ها پیشکش خواهیم کرد.<sup>۱</sup> و اما نصاری در اولین کنفرانس تبشیریان منعقد شده در قاهره به سال ۱۹۰۶ میلادی که ریاست آن را زویمر کشیش خبیث بر عهده داشت، مشکلات تبشیری خود را مورد بحث قرار داده و مهمترین موضوع مورد بحث این بود:

«تبشیرین در کشورهای اسلامی با موانع و مشکلات بزرگی مواجه‌اند، و بعد از بحث و مباحثه فیصله به عمل آمد تا طرق و امکاناتی جستجو گردد تا بتوانند مسلمان را در وضعیت و موقعیتی قرار بدهند تا از افکار و اندیشه‌های دیگران تغذیه شوند و از اندیشه‌های اسلامی خود دور بمانند».

در نتیجه تصویب شد که بزرگترین وسیله و عامل برای تأمین این هدف که تمام گروه‌هایی که برای مسیحی گردانیدن مسلمانان سعی و تلاش دارند و بدان متفق‌اند باید در عمل بیایند. و همانطوری که در گزارش کنفرانس آمده است در رأس تمام برنامه‌های کنفرانس تعمیم و تعمیل موسیقی قرار دارد.<sup>۲</sup>

درباره‌ی هواداران و پیروان نصاری باید توضیح دهم که من در یکی از جراید خواندم که مصاحبه‌ای با رئیس سازمان موسیقی انجام گرفته شده بود و رئیس مجمع موسیقی در مصاحبه‌اش گفته بود: «مهمترین هدف سازمان موسیقی این است که موسیقی فراگیر شود و در هر گوشه و کنار دنیای عرب پخش و نشر گردد و جایی باقی نماند مگر این که موسیقی در آنجا راه یابد و ادخال موسیقی در برنامه‌ی درسی تمام مقاطع تحصیلی یک ضرورت حتمی و اجتناب ناپذیر پنداشته شود».

۱- پروتو کول حکمای صهیون ۱۶۸-۱۶۷.

۲- الغاره علی العالم الاسلامی، ۲۰ و هجوم سریع بر جهان اسلام و غزوه فی الصمیم تألیف حبنکه، اسلام را از داخل خودشان منهدم بگردانید ص ۱۷۲.

بر همین مبنا تصمیم برای تألیف و تنظیم این رساله اهتمام ورزیدم و تلاش کردم تا در آن احکام موسیقی و آواز را از دیدگاه کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ و اقوال علمای ربانی و حقانی مورد بحث و رسیدگی قرار دهم تا هیچ مسلمانی فریب دشمنان اسلام را نخورد و تو برادر و خواهر گرامی نیز هوشیاری را از دست نداده و به دام فریب دشمن نیفتی و سعی و تلاش کنی تا عقل و دین خود را از دستبرد مفسدان و عبث کاران نجات دهی و دنباله رو دشمنان دین نباشی.

این رساله را در دو باب و یک خاتمه ترتیب و تنظیم نموده‌ام.

باب اول: آواز و انواع آن، که دو فصل دارد.

فصل اول: انواع و اقسام آواز و سرودهای جایز و مباح.

فصل دوم: انواع و اقسام سرودها و آوازهای حرام.

باب دوم نیز به بیان ادله و دلایل اختصاص دارد، که ساز و آواز را تحریم می‌کند و این باب دارای پنج فصل می‌باشد.

فصل اول: هدایت قرآن کریم در مورد تحریم ساز و آواز.

فصل دوم: در آیات و احادیث رسول اکرم ﷺ در این باره.

فصل سوم: آنچه از اصحاب و تابعین در تحریم موسیقی و آواز خوانی نقل شده است.

فصل چهارم: آراء و افکار مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت در مورد تحریم ساز و آواز.

فصل پنجم: اثبات اینکه موسیقی به اجماع امت مسلمه حرام قرار داده شده است.

آنچه که در این رساله به چشم می‌خورد این است که، رساله در حجم بسیار کوچک تدوین شده که می‌توان آن را در جیب با خود حمل کرد و به آسانی آن را مطالعه نمود؛ زیرا همت‌ها کم شده و مردم نمی‌توانند کتاب‌های ضخیم را مطالعه کنند! به همین منظور این رساله به شکل بسیار بسیط ترتیب و تنظیم شده تا خواننده بدون برخورد با اشکالی بتواند مطلب مورد نظر خود را در آن به آسانی دریابد. سبک و اسلوب

نوشتاری بصورت ساده و آسان می‌باشد و احادیث مندرج در رساله، همه از احادیث صحیح‌اند، و از درج احادیث ضعیف پرهیز شده است. در این رساله به اثبات رسیده که موسیقی مسئله‌ای است که بر تحریم آن اجماع شده است. در پایان از خداوند متعال مسئلت دارم تا ما را به راه راست و مستقیم راهنمایی کند؛ زیرا این هدایت به او اختصاص دارد و او بر تحقیق آن قادر است و بس.

پایان تألیف: ۱۴۰۹/۱۲/۷

احمد بن عبدالعزیز حمدان

**باب اول**  
**سرود [آواز] و انواع آن**





## فصل اول:

### انواع آوازهای جایز و مباح

تعریف آواز عبارتست از: تطریب<sup>۱</sup> و ترنم<sup>۲</sup> به شعر و نثر و غیره که با بلند کردن آواز و پی در پی آوردن آن می‌باشد، گاهی این طرب و ترنم با موسیقی همراه و یا بدون آن بوده و به تنهایی سروده می‌شود.

#### تعریف موسیقی

این لفظ به آلات و ابزار طرب اطلاق می‌گردد مانند: عود<sup>۳</sup>، کمان<sup>۴</sup>، طبل<sup>۵</sup>، مزمار<sup>۶</sup> و غیره و همچنین موسیقی یک لفظ یونانی قدیم است. از این گفته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که موسیقی چیزی دیگر و آواز و سرود چیزی دیگر است و با هم متفاوت‌اند و موسیقی

---

۱- تطریب: شادمانی کردن، به هیجان در آمدن، نشاط سر دادن.

۲- ترنم: آواز خواندن، زمزمه کردن آواز خوش.

۳- عود: چوب بریده شده از درخت و نام یکی از آلات موسیقی است و عود درختی هندی است که در هند و بیرمائی می‌روید و چوب آن قهوه‌ای رنگ و خوشبو می‌باشد و آن را در آتش می‌اندازد که بوی خوش بدهد؛ و نیز می‌توان آن را در موسیقی غنچک و یا دوتار نامید...

۴- کمان: چوب خمیده‌ای است که دو طرف آن را با زه محکم می‌کشند و می‌بندند، آلتی که در قدیم برای تیر اندازی بکار برده می‌شد و هر چیز خمیده را نیز کمان می‌گویند و یکی از ابزار موسیقی می‌باشد.

۵- طبل یا دهل: یکی از آلات موسیقی شبیه دایره است و دارای دیواره بلند چوبی یا فلزی می‌باشد، که در یک طرف آن یا هر دو طرف آن پوست نازکی کشده شده و با دو تکه چوب نواخته می‌شود، جمع آن اطبال و طبول، در فارسی تیر و تیره و تبوراک و کوس هم گفته شده.

۶- مزمار: نای و جمع مزبور به معنای سرود و ترانه و طرب شاد شدن، اهتزاز و جنبش از شادی و نشاط، شادی و شادمانی.

مستلزم آواز نیست و لازم نیست که در هر جا، سازی باشد و آوازی نیز موجود گردد؛ زیرا تنها طرب و ترنم با بلند کردن آواز و پی‌درپی آوردن آن، آواز خوانی است خواه با موسیقی همراه گردد و یا بدون آن.

برادر و خواهر مسلمانم!

هنگامی که به این واقعیت پی بردی پس نیک بدان که مقصود و هدف ما از انواع آواز جایز و مباح، به مجرد بلند کردن آواز و توالی آن با طرب و ترنم همراه است بدون این که با موسیقی و ساز همراه گردد. آواز مباح نیز به چند نوع بوده و طبق تحقیقات به عمل آمده، شرایط جایز آن توضیح داده می‌شود.

### انواع آوازهای مباح

۱- حدا الابل<sup>۱</sup>: نوعی از آواز است که اعراب از آن استفاده می‌کردند تا راه بر آن‌ها کوتاه معلوم شود و خود را با نشاط نگهدارند و شتران را با خواندن آن به شور و وجد در بیاورند تا به سفر خود سرعت ببخشند.<sup>۲</sup>

اللهم لولا انت ما اهتدینا      و لا تصدقنا و لا صلینا  
فاغفر فداء لك ما اقتفینا      و ثبت الأقدام ان لا قینا<sup>۳</sup>

ترجمه: بار الها اگر هدایت تو نمی‌بود ما گمراه بودیم و زکات نمی‌دادیم و نماز نمی‌خواندیم، ما را بیامرز، آنچه داریم در راهت تصدقت باد، دو پای ما را در میان کارزار استوار بگردان.

۱- حدا الابل: به سرود و آواز ساربان هنگام راندن شتران گفته می‌شود در فارسی به حدا، وحدی نیز گفته می‌شود.

۲- لسان العرب ۱۴-۱۶۸ قول عامر بن اکوع<sup>رضی الله عنه</sup> است که در غزوه خیبر در وقت راندن شتران می‌سرود.

۳- روایت مسلم ۱۲-۱۶۶ و بخاری ۱۰، ۵۳، ۷، ۴۶۳.

۲- الرجز<sup>۱</sup>: سرودن شعر در جنگ به خاطر تشویق جنگجویان و رزمندگان برای نفوذ در صفوف دشمن را گویند.

به عنوان مثال: قول عبدالله بن رواحه رضی الله عنه است که در غزوه موتیه این چنین رجز خوانی کرد:

اقسمت بالله لتنزلنـه

طائعه او لتكرهنـه

ان اجلب الناس و شدوا الرنه

مالی اراک تکرهین الجنـه<sup>۲</sup>

ترجمه: من، به نام خدا سوگند خورده‌ام که در صف دشمن رخته می‌کنیم چه به طبع و خواهش نفس و چه به زور، جز این نیست که یا غالب می‌شویم و یا شهید گشته به بهشت می‌رویم.

دشمن بانگ زده و کمر تباهی برای ما بسته چرا نفس می‌ترسد تا شهید شود و در بهشت برود؟

۳- سرودی که مردم به خاطر کاهش خستگی و متاعب شغل و کار، زمزمه می‌کنند و جسم و جان خود را با آن راحت می‌بخشند مانند این قول مهاجرین و انصار که در هنگام حفر خندق می‌سرودند:

نحن الذين بايعوا محمدا علي الجهاد ما بقينا ابدا

ترجمه: ما کسانی می‌باشیم که با محمد صلی الله علیه و آله بیعت کردیم تا زنده‌ایم به جهاد خود در راه خدا ادامه بدهیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که خود در کندن خندق با نفس نفیس‌شان شرکت داشتند این چنین پاسخ دادند.

۱- الرجز: به شعری گفته می‌شود که هنگام جنگ در مقام مفاخرت و خود ستایی بخوانند.

۲- سیره ابن هشام ج ۲ ص ۳۷۹.

اللهم لا عيش الا عيش الاخره

فاكرم الانصار و المهاجرة<sup>۱</sup>

ترجمه: خدایا زندگی سعادت‌مند همانا زندگی آخرت است بس، پس الهی انصار و مهاجرین را مورد لطف و عزت خود قرار بده.

۴- سرودن و ترنم مادر به خاطر خواباندن فرزند مانند:

بنیتی ریحانه اشمها فديت بنتي و فدتني امها<sup>۲</sup>

ترجمه: دخترکم گلی است که می‌بویم، من به خاطر دخترم قربانی می‌دهم همان طوری که مادرم برای من قربانی داد.

۵- سرودن زنان در عروسی‌ها و مراسم ختنه، آمدن مسافر و در اعیاد مانند:

اتیناکم اتینا کم فحیو نانیحکم

و لولا الذهب الاحمر ما حلت بودایکم

و لولا الحب السمر لم تسمن عذاریکم<sup>۳</sup>

ترجمه: ما آمدیم ما آمدیم؛ ما را خوش آمدید، بگویید ما هم مقابله به مثل می‌کنیم و اگر آبادی در محیط شما نمی‌بود این جا پیش شما کسی نمی‌آمد. اگر حبه سمرا<sup>۴</sup> نباشد دختران شما چاق و فربه نمی‌شوند.

این‌ها سرودهای مشروع و مباحی می‌باشد که زمزمه آن‌ها با شرایط خاص اشکالی ندارد.

۱- روایت بخاری ۶، ۴۶ و مسلم ۱۲، ۱۷۲.

۲- آغانی ترقیص الاطفال عند العرب ۹۶.

۳- روایت از امام احمد ۳، ۳۹۱ و ابن ماجه ۱، ۶۱۲ و حاکم ۲، ۱۸۳.

۴- حبه سمرا: بوته‌ای است دانه‌دار که شبیه کنگد می‌باشد، دانه را از بوته‌اش بیرون کرده بوسیله آسیاب آرد می‌نمایند و بعد از آن در آب جوش مقداری از آن را می‌ریزند و به زنان حامله می‌خورانند.

شرایط آن عبارتند از:

۱- سرود باید مخالف شرع نبوده و آلوده با شرک نباشد و از بی‌حیایی و ناسزا گفتن به مسلمانان و از عشق ورزیدن به زنان عاری بر کنار باشد و در آن شراب توصیف نگردد.

۲- انسان را از فریضه‌های الهی باز ندارد و سبب ضایع کردن و فوت شدن واجبات و تکالیف شرعی نگردد.

۳- اگر سرود را زن بالغ زمزمه می‌کند جایز نیست که آواز او را مردان اجنبی بشنوند؛ زیرا وقتی که مرد آواز زن را می‌شنود لذت می‌برد و لذت بردن موجب فتنه می‌گردد. و این سخن و استدلال را هیچ عقل سلیمی رد نمی‌کند. اگر سراینده کودک دختری باشد که از آوازش خوف فتنه نمی‌باشد در شنیدن آواز آن از جانب مردان اشکالی ندارد.

۴- سراینده زیاد نسراید زیرا اگر سراینده بسیار سرود و نزد مردم معروف شد و یا از سرودن مزد گرفت آن وقت با او مانند یک سفیه و کم عقل رفتار می‌شود و از تصرف منع و نزد علما شهادتش پذیرفته نمی‌شود، چنانکه در کتب فقه همین طور تثبیت شده است و امام شافعی (رحمه الله) بر رد شهادت سراینده مشهور تصریح کرده است.<sup>۱</sup>

۵- باید سرود با موسیقی و ساز همراه نباشد. اگر چنانچه آواز با ساز و موسیقی همراه باشد در حرمت آن تردیدی وجود ندارد اما دف (دائره) از این تحریم مستثنی می‌باشد و دف همان دائره معروف عرب است که با غربال شباهت دارد و زدن آن جایز است به شرطی که طبل، زنگ و زنگوله نداشته باشد و این جواز و اباحت فقط در حق زنان است، زنان می‌توانند آن را در عروسی‌ها، ولیمه‌ها، عیدها و قدوم مسافر برای هم جنسان خود بنوازند و باید نوازندگان سعی نمایند در نواختن آن از حدود سنت و جواز شرعی قدمی فراتر نهند. اما نواختن دائره برای مردان جایز نیست.

۱- السنن الکبری ۱۰، ۲۳۳.



## فصل دوم:

### انواع ساز و آواز حرام و ناجایز

آواز وقتی حرام می باشد که از حدود شرایط ذکر شده بیرون گردد. امروزه بنابر دلایل ذیل ساز آواز حرام تلقی می گردد.

- ۱- آواز همراه با ساز و موسیقی می باشد.
  - ۲- مشتمل بر اقوال مغایر و مخالف شرع می باشند.
  - ۳- باعث باز داشتن از ادای فرایض و واجبات و تکلیف شرعی می باشد.
  - ۴- سراینده، زن می باشد که آواز وی را نامحرم می شنوند.
  - ۵- سراینده بسیار می سراید تا معروف و مشهور گردد.
  - ۶- بر سرودن مزد می گیرند.
  - ۷- به لحن و لهجه مردم فاسق و فاجر می سرایند.
- زیرا این نوع سرایندگی به فحش و ناسزا منجر می گردد و از نظر شریعت حرام است.





**باب دوم**  
**دلایل تحریم کننده موسیقی و**  
**ساز و آواز**



## فصل اول:

### تحریم موسیقی و آواز از دیدگاه قرآن

در این فصل به سه آیت از کتاب الله اکتفا می‌کنیم، در این سه آیت موسیقی و آواز تحریم شده است.

آیه نخست سوره اسراء ۶۴-۶۵: بعد از این که شیطان امر خدا را مبنی بر سجده آدم نادیده گرفت و اخطار داد و سوگند خورد که اگر تا روز قیامت به او فرصت داده شود فرزندان آدم را مطیع خویش خواهد ساخت و آنان را به گمراهی خواهند کشاند، مگر اندکی را که از امر و دستورهایش سرباز زنند.

خداوند متعال تا روز قیامت به شیطان فرصت دادند و به او فرمودند: تو و پیروانت هر چه می‌خواهید بکنید جزای اعمال شما دوزخ است.

﴿وَأَسْتَفِرِّزُ مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجَلِبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَهُمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۚ﴾ [الاسراء: ۶۴، ۶۵]

ترجمه: «سبک پندار و بلغزان به آوازت هر که را می‌توانی و بخوان کسانی را که مطیع و فرمانبردار تواند و از انجام اوامر و نواهی الهی سرباز می‌زنند و شریک بگردان ایشان را در مال و ثروت و دارایی که از راه حرام کسب می‌کنند تا در راه نامشروع بیرون از احکام الهی انفاق نمایند. و شریک بگردان ایشان را در فرزندان که با مادران خود زنا کنند و امر شیطان را به جا آورند و ایشان را به شیوه کفر تربیت نمایند.»

و در جایی دیگر خداوند می‌فرماید:

﴿وَعَدَهُمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۚ﴾ [الاسراء: ۶۴]

زیرا فریب شیطان هیچ چیزی را از سر آن‌ها رد و دفع نمی‌کند. اما ابلیس بندگان مخلص را نمی‌تواند به بیراهه بکشانند؛ زیرا کسی که به ریسمان الهی چنگ بزند خداوند او را حفظ می‌کند و پیروزی نصیب می‌فرماید و شرارت شیاطین انسی و جنی را از سر او دور می‌کند و در صدر این شیطان، ابلیس لعین قرار دارد.<sup>۱</sup>

در این آیات اطلاع و خبر است مبنی بر این که ابلیس با کدام طریقه و وسایل بندگان خدا را از راه دور می‌کشد و از جمله آن وسایل، آواز شیطان می‌باشد که توسط آن، شیطان، انسان‌ها را گمراه می‌کند و به دام خود می‌افکند؛ این دام موسیقی و ساز و آواز حرام می‌باشد.

از مجاهد بن جبر (رحمه الله) که در عصر و زمانش پیشوا و شیخ مفسرین بوده و سی مرتبه قرآن کریم را بر ابن عباس رضی الله عنه معنی و تفسیر هر آیه را از او می‌پرسید<sup>۲</sup> روایت است که: این مفسر عالی قدر آواز ابلیس را به آواز نی<sup>۳</sup> لهو و باطل معنی و تعبیر کرده است<sup>۴</sup>. و از ضحاک بن مزاحم (رحمه الله) که دارای علم و دانش زیادی بود و آن را توسط جبیر از ابن عباس رضی الله عنه آموخته بود<sup>۵</sup> به ثبوت پیوسته او آواز شیطان را آواز نی گفته است.

ابن القیم معتقد است که: تردیدی وجود ندارد که سرود از بزرگترین آوازهای شیطان به حساب می‌آید و شیطان توسط آن انسان‌ها را حقیر پنداشته و به خوف و ترس و

۱- تفسیر طبری ۹، ۱۱۹-۱۲۲.

۲- غایه النهایه ۲، ۱۴ و طبقات الداودی ۳۰۵، ۲.

۳- به زبان پشتو (شپلی) گفته می‌شود.

۴- تخریج حدیث توسط سعید و ابن ابو دنیا و ابن جریر و ابن المنذر و ابن ابو حاتم صورت گرفته است. الدر المنصور ۵، ۳۱۲ و ابو نعیم ۳، ۲۹۸ و ابن الجوزی ۲۳۲.

۵- سیر اعلام النبلاء ۴، ۵۹۸.

اضطراب می‌کشاند و عملی ضد قرآن است؛ در حالی که در سایه‌های قرآن دل‌ها آرام می‌گیرد و مطمئن می‌شود و به درگاه خداوند به نیایش می‌پردازند.<sup>۱</sup>

آیه دوم از سوره لقمان آیه ۶ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾<sup>۲</sup>

ترجمه: «و از مردم کسی هست که می‌ستاند سخنی را که برای بازی است تا گمراه کند مردم را از راه خدا بدون علم و به تمسخر گیرد راه خدا را این گروه را است عذاب خوار کننده».

۱- تفسیر قرطبی ۲۸۸، ۱۰ و البحر المحیط ۵۸، ۶.

۲- تفسیر دری کابلی در این ارتباط می‌نویسد: این ذکر و یاد همان اشقیایی است که از جهالت و ناعاقبت اندیشی قرآن کریم را ترک داده و در رقص و آواز، لهو و لعب و یادگیر خرافات مستغرق‌اند و می‌خواهند که دیگران را هم در این مشاغل بیهوده آلوده نموده و از دین و یاد خدا منحرف سازند و بر سخنان دین تمسخر و ریشخندی می‌نمایند.

حضرت حسن راجع به لهو الحديث می‌فرماید: «کل ما شغلک عن عبادة الله وذكره من السمر والاضاحیک والخرافات والفساد ونحوها» (تفسیر روح المعانی) لهو الحديث آن است که تو را از عبادت و یاد خدا باز دارد از قبیل شب نشینی‌ها، سخنان ریشخند و تمسخر، مشاغل و اهیة و ساز و آواز و غیره. نصر بن حارث که از رؤسای کفار بود به غرض تجارت به فارس می‌رفت و از آن جا قصص و تواریخ شاهان عجم را خریده همراه خود می‌آورد و به قریش می‌گفت: محمد ﷺ به شما قصه عاد و ثمود می‌گوید، بیایید من قصه‌های رستم و اسفندیار و شاهان ایرانی را برای شما بیان کنم. نام برده یک کنیز آواز خوان نیز خریده بود و هر کس که در صدد بر می‌آمد که مسلمان شود، کنیز را پیش وی می‌برد تا او را به آواز خوانی خود مشغول سازد، بعد از آن می‌گفت بین این آواز بهتر است و یا دعوت محمد که می‌گوید: نماز بخوانید و روزه بگیرید و زحمت بکشید. بنابراین آیات مذکور نازل شد.

لهو حدیثی که انسان را به خود راغب می‌گرداند تا آن را بگیرد و مالش را در راه آن انفاق نماید و مستحق عذاب الهی پنداشته شود، عذاب رسوا کننده، آن از آواز می‌باشد! از عبدالله بن مسعود روایت شده و بدون تردید ایشان یکی از عالم‌ترین صحابه بودند چنانکه خودش بر منبر کوفه خود را این گونه معرفی کرد و قولش را همه تأیید کردند: قسم به خدایی که جز او خدای دیگری نیست هیچ سوره‌ای از قرآن نازل نگشت مگر این که من دانستم که در کجا نازل شده است. و هیچ آیه‌ای از کتاب الله فرو فرستاده نشد مگر این که دانستم که در حق چه کسی نازل شده است. و نه کسی را سراغ دارم که از من داناتر به کتاب الله باشد. و اگر چنانچه شتری می‌توانست به محل اقامت عالمی سفر کند امکان نداشت که من آنجا سفر نکرده باشم.<sup>۱</sup>

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه درباره لهو حدیث پرسیده شد و ایشان در پاسخ فرمودند: لهو حدیث، قسم به خداوند متعال آواز خوانی است و سه مرتبه پاسخ را تکرار کردند.<sup>۲</sup>

ابن عباس رضی الله عنهما صحابی جلیل‌القدر و علم امت اسلام و مترجم قرآن مجید و شیخ مفسران بوده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اش این گونه دعا فرموده‌اند «اللهم علمه تأویل القرآن»<sup>۳</sup>

معنی: بار الها به ابن عباس رضی الله عنهما تاویل قرآن را بیاموز.

وی لهو حدیث را این طور معنی کرده است: آواز و نظایر آن.<sup>۴</sup>

۱- روایت امام بخاری ۴۷۰۹ و مسلم ۷۰۱۶.

۲- روایت ابن ابوشیبہ ۳۰۹،۶ و ابن جریر ۶۱،۱۱ و حاکم ۴۱۱،۲ حاکم حدیث را صحت دانسته و ذهبی با این صحت موافق است و بیهقی ۲۲۳،۱۰ و ابن جوزی ۲۳۱.

۳- روایت بخاری ۵۵،۱.

۴- روایت ابن ابوشیبہ ۳۰۹،۶ امام بخاری در ادب ۳۵۷،۱ و ابن جریر ۶۱،۱۱ و ۶۲،۹ بیهقی ۲۲۱،۱۰ و ۳۳۳ و ابن جوزی ۲۳۱.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما فقیه مردم مدینه و مفتی آن زمان گفته است:<sup>۱</sup>

لهو حدیث در قرآن به معنای ساز و آواز است.<sup>۲</sup>

جابر ابن عبدالله رضی الله عنهما بعد از ابن عمر فقیه و مفتی مردم مدینه به حساب می‌آید، ایشان درباره لهو الحدیث از دیدگاه قرآن کریم می‌فرمایند: آواز خوانی و گوش دادن به آن است.<sup>۳</sup>

این چهار فقیه بزرگ و سرشناس صحابه به صراحت فرموده‌اند که: لهو حدیث عبارت از آواز خوانی است و قول صحابه در تفسیر، سند و دلیل می‌باشد؛ زیرا صحابه کرام رضی الله عنهم به علم تفسیر از دیگران. عالم‌ترند و ایشان نزول قرآن کریم را به چشم خود مشاهده و لمس کرده‌اند و آن اوضاع و احوال را بهتر می‌دانند که، این آیات به آن اختصاص یافته است و از جانب دیگر آن‌ها از قرآن فهم کامل و علم صحیح دارند خصوصاً علما و مشایخ آن‌ها در این راه پیش قدم‌اند، هم چنان وقتی اقوال تابعین بر تفسیر آیتی اجماع کنند، حجت و برهان می‌باشد.

درباره معنی و مفهوم لهو الحدیث در قرآن کریم، صحابه و تابعین قول متفق دارند که به معنای آواز خوانی است.<sup>۴</sup>

چنانکه بعضی از تابعین بر این معنی تصریح کرده‌اند که عبارتند از:

۱- مجاهد ابن جبر (رحمه الله)<sup>۵</sup>

۲- عکرمه (رحمه الله)<sup>۱</sup> که ایشان از امامان بزرگ و پیشوایان علم تفسیر و قرائت قرآن به حساب می‌روند و در نزد ابن عباس رضی الله عنهما تعلیم یافته و از او علم آموخته

۱- سیر اعلام النبلاء ۲۰۳، ۳.

۲- تفسیر قرطبی ۵۲، ۱۴.

۳- روایت ابن جریر ۶۲، ۱۱.

۴- مقدمه اصول تفسیر ابن تیمیه ۱۰۵، ۹۵.

۵- روایت ابن ابی شیبۀ ۳۰۹، ۶، طبری ۶۲، ۱۱، ابن جوزی ۲۳۱ و الدر المنثور ۵۰۵، ۶.

است. شعبی (رحمه الله) عکرمه را این گونه معرفی می کند که: هیچ کسی را عالم تر و داناتر به کتاب الله از عکرمه ندیدم.<sup>۲</sup>

۳- مکحول (رحمه الله):<sup>۳</sup> ایشان یک تابعی بزرگوار می باشند و در عصر خود امام و پیشوای مردم شام بود و از مذهب او تقلید می کردند.<sup>۴</sup>

۴- ابراهیم نخعی (رحمه الله):<sup>۵</sup> فقیه عراق و علمبردار فتوا در آنجا.<sup>۶</sup>

۵- عطاء خراسانی (رحمه الله):<sup>۷</sup> محدث و مفتی مجاهد

۶- حسن بصری (رحمه الله):<sup>۸</sup> فقیه مردم بصره و محدث، شخصیتی که حضرت عمر رضی الله عنه درباره اش این چنین دعا کردند: بارالها حسن بصری را در علم دین دانشمند و محبوب مردم بگردان و این دعا نیز اجابت شد. و نیز ایشان کسی هستند که از سینه أم المؤمنین أم سلمه (رضی الله عنها) شیر خورده اند.<sup>۹</sup>

و همچنین هفت تابعی دیگر که به وضاحت و صراحت گفته اند که معنای لهُو الحدیث در این آیه آواز خوانی می باشد و هیچ کس هم با این رأی مخالفت نکرده است. پس گفتار این عزیزان دلیل و حجت است و باید رعایت و پذیرفته شوند و پیش از ایشان چهار صحابه فقیه، لهُو الحدیث را همین طور تفسیر و معنی کرده اند. حاکم

۱- روایت ابن ابی شیبۀ ۳۰۹،۶، ابن جوزی، ۲۳۱ و ابن ابی الدنيا الدر المنثور ۵۰۵،۶.

۲- غایة النهایة ۵۱۵،۱ و طبقات الداودی ۳۸۶،۱.

۳- روایت ابن عساکر، الدر المنثور ۵۰۵،۶.

۴- سیر اعلام النبلاء ۱۵۵،۵.

۵- روایت ابن ابو الدنيا، الدر المنثور ۵۰۵،۶.

۶- سیر اعلام النبلاء ۵۲۰،۴.

۷- روایت ابن ابو حاتم و حاکم در کتاب الکنی، الدر المنثور ۵۰۵،۶ ۵۰۷،۵.

۸- روایت ابن ابو حاتم، الدر المنثور ۵۰۵،۶.

۹- سیر اعلام النبلاء ۵۶۳،۴.



(رحمه الله) فرموده است: باید طالب علم نیک بداند و آگاه باشد که تفسیر اصحابی که ناظر و شاهد عینی نزول وحی قرآن بوده‌اند از دیدگاه امام بخاری و مسلم حجت و سند می‌باشند.

آیه سوم از سوره نجم: ۵۹-۶۱ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿۵۹﴾ وَتَضْحَكُونَ ﴿۶۰﴾ وَلَا تَبْكُونَ ﴿۶۱﴾ وَأَنْتُمْ سَمِدُونَ﴾ [النجم:

[۵۹-۶۱]

«آیا از این سخن تعجب می‌کنید و خنده می‌نمایید و نمی‌گریید و می‌سرایید».

خداوند مشرکین را مخاطب ساخته و می‌فرماید: آیا به حیرت می‌افتید که این قرآن بر محمد ﷺ نازل می‌گردد و او را به استهزا و مسخره می‌گیرید و می‌خندید و گریه نمی‌کنید، به خاطر آنچه از عذاب که برای گناه کاران پیش بینی شده است و سامد می‌باشید. سمود مکروه و مذموم که خداوند در این آیه ذکر فرموده عبارت از آواز خوانی است. ابن عباس رضی الله عنه فرموده است: سمود در این آیه به معنای آواز خوانی است، طبق لغت زبان مردم یمن، چنانکه می‌گویند: (اسمد لنا) یعنی: بخوان برای ما و<sup>۱</sup> نغمه سرایی کن.

۱- روایت طبری ۱۳، ۸۲ و ابن ابو الدنيا ۱۳ و البزاز ۳، ۷۲ و بیهقی ۱۰، ۲۲۳ و ابن جوزی ۲۳۱.



## فصل دوم: احکام آواز خوانی از دیدگاه سنت

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷]

«و هر چه بدهد شما را پیامبر، بگیرید آن را و هر چه منع کند شما را از آن باز ایستید».

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ [النساء: ۵۹]

«و فرمان برید خدا و فرمان برید پیامبر را».

خداوند به ذات اقدس خود سوگند یاد کرده است که هیچ انسانی مومن به حساب نمی‌آید تا وقتی که به قضاوت پیامبرش در تمام قضایایی که با دیگری اختلاف دارد تن در ندهد، و وی را حکم نگرداند و وقتی به حکمیت و قضاوت پرداخت به رضا و رغبت و فراخی سینه به حکمیت و قضاوت او راضی و قانع نگردد.

چنانچه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا

مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵]

«پس قسم پروردگار تو این است که ایشان مسلمان نباشند تا آن که حاکم کنند تو را در اختلافی که واقع شد میان ایشان و باز نیابند در دل خویش تنگی از آن حکم که فرمودی و قبول کنند به انقیاد و تسلیم».

خداوند مسلمانان را از این که اطاعت پیامبرش را نکنند بر حذر داشته و هشدار داده

است و فرموده است:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ خَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳]

«پس باید که بترسند آنانی که خلاف حکم پیامبر عمل می‌کنند از آن که برسد به ایشان بلایی و یا برسد به ایشان عذاب دردناک».

امام احمد فرموده‌اند: آیا می‌دانید فتنه چیست؟ فتنه شرک است.<sup>۱</sup>  
 شاید بعضی از مردم اقوال پیامبر اکرم ﷺ را در دل نپذیرند، پس ایشان هلاک می‌گردند.<sup>۲</sup>

۱- به معنای رد و منع مثل این آیه مبارکه: «واحدیهم أن یفتنوک» یعنی: تو را منع کنند و باز دارند.

۲- به معنای شرک و کفر مانند این قول خداوند «والفتنه أشد من القتل»

۳- «وقاتلوهم حتی لا تكون فتنه» یعنی: تا شرک و کفری باقی نماند.

۴- به معنای عذاب دادن و سوزاندن مانند: «إن الذين فتنوا المؤمنين و المؤمنات» یعنی: مؤمنان را شکنجه کردند و عذاب دادند و سوزاندند.

۵- به معنای عبرت مانند: «لا تجعلنا فتنه للذین کفروا - ولا تجعلنا فتنه للقوم الظالمین»  
 یعنی: ما را برای‌شان پند و عبرت مگردان.

امام شافعی (رحمه الله) فرموده است: علما به اجماع خود گفته‌اند وقتی سنت پیامبر ﷺ به ثبوت برسد باید به آن عمل شود و به قول هیچ کس متروک نگردد.<sup>۳</sup>  
 پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «آگاه باشید که به مانند قرآن برایم نیز عنایت شده است.<sup>۴</sup> و آن حدیث صحیح می‌باشد؛ و هر دو با هم برابرند و آن، سنت است».

۱- فتح المجید ۴۵۹.

۲- فتنه در قرآن مجید به چند معنای دیگر نیز وارد شده است چنانکه در کتاب الوجوه و النظائر تألیف امام دامغانی آمده است.

۳- فتح المجید ۴۵۷.

۴- روایت امام احمد ۱۳۱، ۱ و ابو داود ۳۵۴، ۱۲.

و در جایی دیگر می‌فرمایند: «آگاه باشید و نیک بدانید که چیزی را که پیامبر حرام گردانیده است، خداوند نیز حرام ساخته است»<sup>۱</sup>.

شاکر می‌فرمایند: این حدیث حسن و غریب است.

و در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

مطلع باشید (سوگند به خدا) من امر کردم، وعظ و پند دادم و از چیزهایی دیگر منع نمودم و همه آن‌ها مثل قرآن و یا بیشتر از آن است.<sup>۲</sup>

برادر و خواهر مسلمانان!

وقتی بر این احادیث آگاهی یافتید پس نیک بدانید که ده‌ها خبر و حدیث در سطح مشهور و متواتر از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است، مبنی بر اینکه ساز و آواز ممنوع شده است، و احادیث متواتر افاده علم را کرده و در صحت آن شک و تردیدی باقی نمی‌گذارد.

پس واجب است بر هر مسلمان آن را تصدیق کند و علمی بگرداند و مراتب تعمیل امر و نهی را به جا آورد.

اینک در این فصل ده حدیث صحیح را می‌آوریم و تقدیم می‌نماییم به آن کسانی که دل پاک دارند و می‌شنوند و می‌پذیرند.

حدیث اول: ابو مالک اشعری رضی الله عنه می‌فرمایند که: من از رسول اکرم ﷺ شنیدم که فرمودند: «لیکونن من أمتی أقوام يستحلون الحر والحرير والخمر والمعازف ولینزلن أقوام الی جنب علم یروح علیهم بسارحه لهم، یأتیهم لحاجه فیقولون: ارجع إلینا غدا فیبیتهم الله ویضع العلم ویمسح آخرین قرده وخنایزیر الی یوم القیامه»<sup>۳</sup> در این حدیث مبارک، پیامبر اکرم ﷺ از پیش آمدی خبر می‌دهند که دامنگیر مردمی از امتش می‌گردد و عبارت از استمرار و

۱- روایت ترمذی ۳۸،۵.

۲- روایت ابو داود از طریق اشعث بن ثعبه مصیصی آن را مشکوٰۃ تأیید و توثیق کرده است. ۱۶۴

۳- روایت بخاری به تعلیق مؤکد ۵۱/۱ و تعلیق التعلیق ۱۷/۵ دیده شود.

تداوم گناهان مانند: ارتکاب زنا، پوشیدن ابریشم، شراب نوشی و گوش دادن به آلات موسیقی از قبیل: دهل، عود رباب و غیره است و چنان این آلات را استعمال می‌کنند که گویا برایشان حلال و جایز می‌باشد. و اگر استعمال این آلات و استماع آواز آنها حلال می‌بود نمی‌فرمودند: «إِنَّهُمْ يَسْتَحِلُّونَهَا» یعنی: حلال می‌پندارند و هیچ به فکرشان حرمت آن خطور نمی‌کند. و از طرف دیگر استعمال این ادوات خشم الهی را به جوش می‌آورد. العیاذ بالله و آنها را خداوند هلاک و تباه می‌نماید و کوه بزرگ را بر آنها می‌افکند.

علم یعنی: کوه بزرگ، و دیگران را به شکل میمون و خنزیر تا قیامت در می‌آورد. حدیث دوم: عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستم را گرفتند و مرا به نخلستان خرما که پسرشان ابراهیم آنجا بود، بردند، ابراهیم را در آغوش گرفتند و در حالی که نفسشان تنگی می‌کرد و به سختی نفس می‌کشیدند. پس هر دو چشم مبارک آن حضرت صلی الله علیه و آله پر از اشک شدند و اشکشان سرازیر گشتند، من گفتم: ای رسول الله صلی الله علیه و آله گریه می‌کنی، آیا از گریه منع نمی‌کردی؟ فرمودند: به تحقیق من از بلند کردن آواز به گریه که از صدای دو احمق بد کار یعنی آواز بلند کردن در وقت سرور و شادمانی، لهو و لعب و نی‌های شیطان و آواز بلند کردن در وقت مصیبت، کندن صورت، پاره کردن گریبان و آواز شیطان منع می‌نمودم.<sup>۱</sup>

۱- روای حدیث ابن سعد ۱۳۸، ۱ البزاز ۳۸۰، ۱، آجری ۱۱۹، حاکم ۴۰، ۴، بغوی ۴۳۱، ۵ و این حدیث را حسن گفته و در الفتح از آن سکوت اختیار نموده است.

ترمذی آن را به طور مختصر روایت کرده است ۸۷، ۴ و گفته است: حدیث حسن صحیح است و آن را در زمره مسند جابر در آورده است. اصل حدیث در بخاری آمده است ۱۷۲، ۳ مسلم ۷۴، ۱۵.

و از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده است که: در متن حدیث شریف «و رنه شیطان» آمده است.<sup>۱</sup>

در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آوازی‌ها مذمت فرموده و آن را به شیطان نسبت داده و فرموده‌اند: نی شیطان و آواز نی را، آواز احمق بد کار توصیف و تعریف کرده‌اند و انسان بدکار مرتکب گناه، معصیت و فسق پیدا می‌شود و در صدر کلامشان فرمودند که: از آن منع کرده است و منع و نهی تحریم را اقتضا دارد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه الله) فرموده است: این حدیث از بهترین احادیثی به شمار می‌آید که می‌توان از آن تحریم آواز خوانی را اثبات کرد.<sup>۲</sup>

حدیث سوم: ابن عباس رضی الله عنهما می‌فرمایند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «ان الله حرم علی، او حرم الخمر والمیسر، والكوبه وکل مسکر حرام»<sup>۳</sup> در این حدیث صحیح به صراحت در تحریم (کوبه)<sup>۴</sup> ذکر به عمل آمده است و کوبه یکی از آلات طرب است و هیچ آوازی از آن بی‌نیاز نیست.

علی بن بذیمه راوی حدیث می‌فرماید: کوبه، دهل را گویند.<sup>۵</sup>

۱- فرهنگ عمید: رند، - ان - را این طور معنی کرده است: زیرک، زرنک، حيله‌گر، بیباک، بی‌قید، لاابالی، آن که با هوشیاری و تیزی به اسرار دیگران پی ببرد، این اوصاف ذمیمه و منحط در حق شیطان مصداق دارد. (مترجم)

۲- الاستقامة ۱، ۲۹۲.

۳- راوی حدیث امام ۲۷۴، ۱، احمد شاکر در حدیث ۲۴۷۶ گفته است: سند حدیث صحیح است و ابوداود ۱۰، ۱۶۱ درباره صحت حدیث و منذری سکوت ورزیده‌اند و بی‌هقی نیز روایت کرده است.

۴- آلت کوبیدن، چکش، چکش در خانه و بریط از یونانی، عود یکی از آلات موسیقی شبیه سه تار که کاسه‌اش بزرگتر و دسته آن کوتاهتر است.

۵- هم چنان اطلاق کوبه بر عود و بریط نیز می‌گردد. غریب الحدیث ابو عبیده ۴، ۲۷۶ و النهایه ۱، ۱۱۲، ۴، ۲۰۷.

حدیث چهارم: از عمران بن حسین رضی الله عنه روایت شده است که: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«فی هذه الامه خسف ومسخ وقذف». کسی از مسلمانان پرسید: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! «ومتی ذلک؟ قال: إذا ظهرت القیان والمعازف وشربت الخمر»<sup>۱</sup>.

خسف: در شکم زمین فرو رفتن و «خسف الله بفلان الارض»: خداوند وی را زیر زمین بسازد.<sup>۲</sup>

مسخ: تبدیل و تحویل یک شکل به شکل دیگر که بدتر از اول است و مسخه الله قردا یعنی: خداوند وی را بصورت بوزینه در بیاورد.<sup>۳</sup>

قذف: به قوت<sup>۴</sup> هر چه تمام‌تر انداختن، یعنی: از آسمان با سنگ‌ها زده می‌شود. قیان: جمع قینه و به معنای سراینده.<sup>۵</sup>

در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آگاه می‌فرمایند و پیش بینی می‌کنند که، زود است همان مصیبت خسف، مسخ و قذف که دامنگیر ملت‌های گذشته شده بود، عده‌ای از امت مسلمه را در بر گیرد، و آن زمانی خواهد بود که سرایندگان و نوازندگان روی صحنه حیات ظاهر شوند و شراب نوشی‌ها عام گردد. این سه عذاب رنج آور و دردناک از جانب خداوند به این خاطر دامنگیر می‌شود که، مردم به گناه و معصیت رو می‌آورند و سرایندگان و نوازندگان را پرورش می‌دهند و تشویق می‌نمایند و نوشیدن شراب عمومیت پیدا می‌کند و این خود دلیلی بر این اعمال گناهان کبیره می‌باشد.

۱- راوی حدیث امام ترمذی ۴۵۸،۶ و یک حدیث صحیح لغیره است و نظایر بسیار دارد.

۲- القاموس المحيط ۱۰۳۹.

۳- معجم متن اللغة ۲۹۳/۵.

۴- النهایه ۲۹/۴.

۵- النهایه ۱۳۵/۵.



حدیث پنجم: ابو هريره رضی الله عنه می فرماید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الجرس مزامیر الشیطان».<sup>۱</sup>

جرس<sup>۲</sup>: زنگ مزامیر، نای و سرنای شیطان است.

حدیث ششم: از ابو هريره رضی الله عنه روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: فرشتگان گروهی را که با خود سگ و زنگ دارند همراهی نمی کنند.<sup>۳</sup>

وقتی موجودیت زنگ اسباب نفرت فرشتگان را در بر دارد و از همراهی قافله دوری بجویند، پس از استفاده کردن آلات موسیقی مانند: عود و کمان، رباب و غیره، بیشتر دوری می جویند و متنفر می شوند؛ زیرا فسادی را که آلات موسیقی به بار می آورند، یک درصد آن زنگ نمی تواند به وجود آورد، خصوصاً وقتی که این آلات با آواز که به پیشرفته ترین وسایل الکترونیکی ثبت می شوند.

آن وقت مو را بر اندام انسان راست می گرداند و همراه و هم آهنگ با آن می شود و جهانی را به فساد می کشاند.

حدیث هفتم: از نافع غلام ابن عمر رضی الله عنه روایت کرده است که: ابن عمر رضی الله عنه آواز نی چوپان را شنید و دو انگشت خود را در دو گوش خود قرار داد و حیوان سواری اش را از راه به طرف دیگر کشاند و گفت: ای نافع! آیا آواز نی نواز را می شنوی؟ من گفتم: بلی و او می رفت تا اینکه گفتم: آواز را نمی شنوم. او دست ها را از گوش بیرون کرد و حیوان را دوباره به راه آورد و گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دیدم وقتی که آواز چوپانی را شنید دو انگشت خود را بر گوش های خود می نهادند و همین طور عمل می کردند که من کردم.<sup>۴</sup>

۱- حدیث امام مسلم ۹۴،۱۴.

۲- جرس: زنگی که بر گردن چهارپایان می بندند.

۳- حدیث امام مسلم ۹۴،۱۴.

۴- راوی حدیث امام ۴۵۳۵، ۴۹۶۵، آجری ۱۲۵، بیهقی ۲۲۲، ۱۰ و خلال ۱۷۶.

این حدیث ثابت می‌کند که، هنگامی که انسان آواز نی را می‌شنود و نمی‌تواند آن را به علت زور و آواز بلند آن و یا بعد مسافت راه، آن را دفع کند پس باید هر دو گوش خود را ببندند، چون نافع کودک و طفل بود به مرحله تکلیف نرسیده بود بنابراین وی را به بستن گوش‌هایش امر نکرده بودند.<sup>۱</sup>

ابن جوزی (رحمه الله) گفته است: در صورتی که فعل صحابه رضی الله عنهم درباره آوازی که از حد اعتدال تجاوز نکرده است با این پیمانه نکوهش و مذمت برسد، پس زشتی آواز مردم عصر و زمان ما و نای‌شان به کدام پیمانه مذمت خواهد بود.

می‌گوییم: خداوند ابن جوزی را مورد رحمت خود قرار دهد، اگر او آواز مردم عصر ما را با آلات موسیقی آن‌ها که گوش‌ها را آزار داده و اذیت می‌کنند، گرچه آن‌ها اراده و قصد شنیدن را ندارند، اما آلات موسیقی به کامپیوتر مانند انسان شروع به صحبت می‌کند و گوش‌ها را به طرز عجیبی به هیجان در می‌آورد و انسان را به طرف خود می‌کشاند، آن وقت به او چه ذهنیتی دست دهد؟

حدیث هشتم: ابو هریره رضی الله عنه می‌فرماید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مزد و اجرت آواز منع فرمودند.<sup>۲</sup>

حدیث نهم: عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: من فرستاده شده‌ام تا نی و دهل را ویران نمایم.<sup>۳</sup>

حدیث دهم: حضرت انس رضی الله عنه می‌فرماید که: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: دو آواز از رحمت خدا در دنیا و آخرت محروم و ملعون می‌باشند؛ ۱- سرودن در وقت خوشی ۲- در هنگام مصیبت چون شیطان بانگ زدن.<sup>۱</sup>

۱- عون المعبود ۱۳، ۲۶۷.

۲- راوی حدیث ابو عبیده ۳۴۱، ۱ به سند صحیح است و خلال ۱۷۵ و روایت بیهقی ۱۲۶، ۶ نجوی ۲۳۸.

۳- راوی ابن جوزی ۲۳۳ و سندش حسن است.

از این حدیث معلوم می‌شود که آواز سراینده، ملعون و صاحب آن از رحمت الهی دور می‌باشد و پیامبر اکرم ﷺ وی را در دنیا و آخرت ملعون فرموده و لعنت در یک امر مهم و خطیر گفته می‌شود.



## فصل سوم

درباره اقوال صحابه کرام رضی الله عنهم و تابعین در سه قرن اول که بهترین قرن‌ها به حساب می‌آیند صحبت می‌کنیم؛ عده‌ای از اقوال حکم مرفوع را دارا بوده و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منسوب است و نظر فردی و شخصی نمی‌باشند.

۱- ابوبکر صدیق رضی الله عنه دو دختر کودک را مشاهده کرد که دایره می‌زنند و همراه با آن آواز می‌خواندند، صدیق اکبر رضی الله عنه هر دو را سرزنش کرد و فرمود: این آواز از شیطان است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نظر صدیق رضی الله عنه را تأیید نمودند.<sup>۱</sup>

۲- وقتی حضرت عمر رضی الله عنه آوازی و یا صدای دهل را می‌شنید می‌پرسید: این آواز از چیست؟ اگر می‌گفتند: مراسم عروسی و یا ختنه برپا است خاموش می‌گردید.<sup>۲</sup>

۳- حضرت عثمان رضی الله عنه همیشه لطف و شکر الهی را بجا می‌آورد که توفیق نیافته تا آواز بخواند و یا آرزوی آن را بنماید و به این معصیت آلوده شود.<sup>۳</sup>

۴- ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرمایند: وقتی انسان بر چهار پایی سوار شود و بسم الله نگوید، شیطان بر پشت سر او سوار می‌شود و به او می‌گوید: آواز خوانی کن و اگر شخص نتوانست آواز بخواند به او می‌گوید: آرزوی او را بکن.<sup>۴</sup>

۵- آواز در دل ریا می‌پروراند همانطور که آب زراعت را بارور می‌گرداند.<sup>۵</sup>

۶- آواز خوانی مقدمه و پیش آهنگ زنا است.<sup>۱</sup>

---

۱- روای حدیث امام بخاری ۴۴،۲ و ۴۴۵.

۲- روای حدیث عبدالرزاق ۵،۱۱ و ابن ابی شیبہ ۱۹۲،۴.

۳- ابن ابو عاصم ۲،۵۹۵، بسوی ۴۸۸،۲، طبرانی ۸۵،۱.

۴- روای عبدالرزاق ۳۹۷،۱۰، طبرانی ۱۷۰،۹ ابن ابو الدنيا ۱۴.

۵- روای ابن ابو الدنيا ۱۳، بیہقی ۲۲۳،۱۰.

- ۷- حضرت انس رضی الله عنه فرموده است: بدترین کسب و مزد و اجرت، آواز خوانی است.<sup>۲</sup>
- ۸- عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از کنار گروهی گذر کردند که احرام بسته بودند و یکی از آنها آواز می خواند. ابن عمر رضی الله عنهما فرمودند: خداوند دعای حج شما را اجابت نکند.<sup>۳</sup>
- ۹- عبدالله بن عمر از کنار دختر بچه ای که آواز می خواند رد شدند سپس فرمودند: اگر شیطان از کسی دست بر می داشت، پس مزاحم این دختر بچه نمی شد.<sup>۴</sup>
- ۱۰- وکیع بن جراح (رحمه الله) می فرمایند: طنبور را بگیر و بر فرق مالک آن خرد کن چنانکه ابن عمر رضی الله عنهما نیز همین طور بر خورد نمودند.<sup>۵</sup>
- ۱۱- سويد بن غفله رضی الله عنه می فرمایند: فرشتگان در خانه ای که دهل باشد نمی آیند.<sup>۶</sup>
- صحابه های جلیل القدر بسیاری و همچنین بزرگان زیادی در این باره نقل قول تصریح فرموده اند که، در این رساله کوچک ما نمی گنجد و ما به همین روایت اکتفا می کنیم و از خوانندگان محترم می خواهیم که در این مورد تحقیق بیشتر بفرمایند.

۱- نزعة الاسماع ۶۶.

۲- روایت ابن ابو الدنيا ۱۳، بیهقی ۱۰، ۲۲۳.

۳- روایت ابن ابو الدنيا و روایت بخاری در ادب ۲، ۲۴۵.

۴- راوی خلال ۱۲۶.

۵- طنبور: یکی از آلات موسیقی می باشد که دارای تار می باشد. فرهنگ عمید طنبور را این چنین تعریف کرده است: طنبور یکی از آلات موسیقی دارای دسته دراز و کاسه کوچک شبیه سه تار طنبار هم می گویند. (مترجم)

۶- روایت بخاری در ادب ۲، ۴۶۴ و بیهقی ۱۰، ۲۳۳.

## فصل چهارم: موسیقی و آواز خوانی از دیدگاه مذاهب چهار گانه

۱- امام ابو حنیفه (رحمه الله) در تحریم و عدم جواز آواز خوانی بسیار تأکید می نمود و سخت گیر بود حتی که هیچ یک از سایر مذاهب به پایه او نمی رسید.  
امام ابو حنیفه (رحمه الله) شنیدن موسیقی را معصیت می پنداشت.<sup>۱</sup> پیروانش گفته اند: گوش کردن صدای موسیقی و آواز خوانی حرام است. آن ها استدلال می کنند که، پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: شنیدن لهُو و موسیقی گناه است و نشستن در آن مجلس فسق و لذت بردن از آن کفر است.

حدیث مذکور از زمره احادیث مرسل مکحول به شمار می آید.<sup>۲</sup>

۲- از امام مالک (رحمه الله) پرسیده شد: کدام آوازه را مردم مدینه جایز می پندارند؟<sup>۳</sup>

---

۱- تلبیس ابلیس ۲۲۹.

۲- فتاویٰ بزازیه حاشیه فتاویٰ هندی ۳۵۹،۶ و حدیث مرسل استاد مکحول روایت کرده است. امام ابوبکر جزائری در رساله اش تحت عنوان حکم الموسیقی و الغناء می گوید: امام ابو حنیفه در تحریم ساز و موسیقی و سرود بسیار سخت گیری کرده و هر دو را موجب فسق دانسته و شهادت مرتکب را مردود شمرده است و پیروانش نیز شنیدن سرود را فسق و لذت بردن از آن را کفر تلقی کرده اند، و چون استنادشان را یک حدیث ضعیف تشکیل می دهد پس می توان گفت که کفر تا کفر فرق دارد و کفر معصیت، معصیت پنداشته می شود و انسان را از دین اسلام خارج نمی کند. امام ابو یوسف فرموده است: اگر مسلمانی آواز لهُو و لعب و موسیقی را از داخل خانه بشنود باید بدون اجازه داخل شود و آن منکر را تغییر بدهد زیرا تغییر منکر، بر هر فرد واجب است، و باید امام مسلمین، موسیقی نواز را به زندان بیندازد یا شلاق بزند و تبعیدش کند.

۳- راوی خلال ۱۳۱.

در پاسخ فرمودند: یک تعداد فاسقان دیار ما به آن عمل می‌کنند. گفته است: کسی که کنیزی خرید و بعد از آن ثابت شد که یک آواز خوان است، آن وقت می‌تواند او را به داشتن عیب بر فروشنده رد کند؛ زیرا آواز خوانی عیب پنداشته می‌شود.

امام شافعی (رحمه الله) فرموده‌اند: شهادت آواز خوان، چه مرد باشد چه زن قابل شنیدن و گوش دادن نمی‌باشد و کسی که به این شغل اشتغال ورزد با او مثل شخص سفیه و نادان رفتار می‌گردد و یک شخص بی‌مروت می‌باشد<sup>۲</sup>. و نیز فرموده است. آواز خوانی یک نوع دیوئی پنداشته می‌شود. نیز فرمودند: در بغداد یک چیزی را گذاشتم که تغییر<sup>۳</sup> نام دارد و زندیقان آن را ایجاد کرده‌اند و مردم را با انجام آن از قرآن باز می‌دارند.<sup>۴</sup>

امام شافعی درباره کسی که قرآن کریم را به لحن و طرب و آهنگ می‌خواند این چنین حکم کرده و فتوا می‌دهد. پس اگر او امروز اوضاع و احوال سرایندگان زمان ما را می‌دید چه احساسی پیدا می‌کرد.

۴- امام احمد ابن حنبل (رحمه الله) می‌فرمایند: آواز، نی سرنا، طنبور، رباب آرمونیه و سایر آلات موسیقی حرام‌اند<sup>۵</sup>. و درباره تغییر می‌فرمایند: تغییر بدعت نوینی است که در شروع سابقه نداشته است.<sup>۶</sup>

۱- راوی خلال ۱۶۵.

۲- راوی خلال ۱۹۱.

۳- تغییر: ذکر خداوند به دعا و تضرع و تلحین و طرب است. بدین ترتیب که مطرب و موسیقی نواز جلوی خود یک بالشتی را می‌گذارد و با چوب بر آن می‌زند.

۴- تللیس ابلیس ۳۳۰.

۵- تللیس ابلیس ۲۴۵ حکایت ابن عقیل.

۶- روایت خلال ۱۸۷ تللیس ابلیس ملاحظه شود.



به امام گفته شد که، تغییر دل را نرم می‌کند و باز ایشان تکرار کردند که، بدعت است.<sup>۱</sup>

شخصی از امام پرسید: اگر از من خواستند که مرده‌ای را غسل دهم ناگهان صدای دهلی را شنیدم آن وقت چه کار کنم؟ فرمودند: اگر توانستی دهل را پاره کن در غیر این صورت از آنجا دور شو.<sup>۲</sup> تصریحات مذاهب چهارگانه در این باره بی‌شمارند و ما نیز به همین تعداد اکتفا می‌کنیم.

---

۱- روایت خلال ۱۸۷ تلبیس ابلیس ملاحظه شود.

۲- روایت خلال.



## فصل پنجم: اجماع

اجماع: عبارت از اتفاق علمای امت در هر عصر و زمان در امری از امور دین، اجماع مصدر سوم از مصادر فقه را بعد از قرآن و سنت در بر می‌گیرد. اجماع امت مسلمه دلیل و حجت قاطع بوده و مخالفت با آن به هیچ وجه جواز ندارد. و خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۱۵]

«و هر کس با پیامبر مخالفت کند بعد از آن که معلوم شد وی را هدایت و پیروی کند به غیر از راه و روش مسلمانان را، متوجه می‌گردانیم او را به آن جهت و در می‌آوریم وی را به دوزخ و دوزخ جای بدی است».

خداوند در این آیه نشان می‌دهد که گذاشتن راه مسلمانان و به دیگر راه‌ها رفتن گمراهی و انسان را مستحق دوزخ می‌گرداند. العیاذ بالله

پس اجماع مسلمانان و سلوکشان یگانه راه نجات شناخته شده و اگر از آن مخالفت صورت گیرد، مختلف مشمول همین آیه است و از جانب دیگر پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: امت مسلمه هرگز به گمراهی، اجماع ننمایند.<sup>۱</sup>

وقتی تو ای برادر و خواهر مسلمانم درک نمودی و نتیجه گرفتی که اجماع امت مسلمه دلیل و برهان و حجت است و مخالفت با آن مردود است، سؤالی پیش می‌آید که بگوییم: تحریم موسیقی یک مسأله اختلافی است و مورد مناقشه و اختلاف آرا قرار

---

۱- نزّهة خاطر العاطرا، ۳۳۱.

می‌گیرد و یا قضیه‌ای است که بر حرام بودن آن اجماع شده است و مناقشه را نمی‌پذیرد؟

پاسخ: تحریم موسیقی یک موضوع متفق علیه علمای امت مسلمان است و از صحابه گرفته تا تابعین بر تحریم آن اتفاق و اجماع دارند و قضیه‌ای به شمار نمی‌آید تا مورد بحث و مباحثه و مناقشه قرار بگیرد.

### دلایل

۱- به طوری که از جریان آگاه شدیم در سه قرن اول زندگی صحابه و تابعین که بهترین قرن‌ها بوده است، موسیقی را یک مسأله اختلافی و قابل مناقشه ندانسته‌اند بلکه بر تحریم آن اتفاق نظر داشته‌اند و به آن به عنوان یک قضیه اختلافی نظر نداشته‌اند؛ زیرا در مسایل اختلافی و اجتهاد، علما به این اندازه سخت‌گیری نکرده و از تشدد کار نمی‌گیرند و نمی‌گویند که مخالف رای تحریم، فاسق، فاجر، ملعون و شیطان است و امر نمی‌دهند که آلات موسیقی را بر فرق سر مالکان آن‌ها خرد کنند و فتوا نمی‌دادند که کثیف‌ترین مزد و اجرت همانا اجرت موسیقی است و غیره، در حالی که در موسیقی همین طور کرده‌اند و گفته‌اند.

۲- از هیچ یک از آنان نقل نشده که ساز و آواز را مجاز دانسته باشند.

۳- از تقدیم آرا و افکار امامان مذاهب اربعه (رحمه الله) نیز نتیجه گرفته شد که ایشان استفاده از موسیقی را به شدت محکوم و تحریم کرده‌اند و آن را عملکرد فاسقان و معصیتی که مانع ادای شهادت و عدالت می‌گردد، پنداشتند و ساز و آواز را سفاهت و دیوئی تلقی کرده‌اند و به خرد کردن و شکستن آلات موسیقی دستور داده‌اند و آن را بدعت پنداشته‌اند که مردم زندیق پیرو آن شده‌اند و پیروان ابو حنیفه (رحمه الله) و یارانش لذت بردن از آواز را کفر دانسته‌اند.

تمام این گفته‌ها و آنچه در کتب فقه، انعکاس وسیع یافته خود دلالت قاطع واضح بر تحریم ساز و آواز دارد و مورد اتفاق تمام علما قرار دارد و بحث و مباحثه در این باره

مطرح نمی‌شود. در مسایل اختلافی و اجتهاد علما به این اندازه سخت نمی‌گیرند بلکه، می‌فرمایند: راه صواب این است که ما گفته‌ایم و احتمال خطای نظر ما نیز موجود است و این طرز فکر دلالت بر انصاف و واقعیت‌گرایی آن‌ها دارد.

برادر و خواهر مسلمانم!

بعد از این مبنی بر تحریم موسیقی به اجماع امت مسلمان و سلف صالحین، لازم است نام علمای بزرگی از ائمه اسلام که به صراحت موسیقی و ساز و آواز را و موسیقی‌ای که با آواز همراه باشد به اجماع تحریم کرده‌اند در این رساله بیاوریم که عبارتند از:

- ۱- ابو عمر بین عبدالبر مالکی.<sup>۱</sup>
- ۲- ابو عمرو بن صلاح شافعی.<sup>۲</sup>
- ۳- ابو طیب طبری شافعی.<sup>۳</sup>
- ۴- ابو عبدالله بن بطه عکبری حنبلی.<sup>۴</sup>
- ۵- شیخ الاسلام ابن تیمیه حنبلی.<sup>۵</sup>
- ۶- ابوبکر محمد بن حسین اجری.<sup>۶</sup>
- ۷- ابو الفرج بن رجب حنبلی.<sup>۷</sup>
- ۸- ابو یحیی الساجی الشافعی.<sup>۱</sup>

---

۱- تفسیر قرطبی ۷، ۳.

۲- فتاوی ابن صلاح ۲، ۴۴۹ و ۵۰۰.

۳- تلبیس ابلیس ۲۳۰.

۴- تلبیس ابلیس ۲۳۷ و سخن در مسأله شنیدن ساز و سرود ۱۲۷.

۵- مجموع الفتاوی ۱۱، ۵۶۹، ۵۷۶.

۶- نزہة الاسماع ۲۵.

۷- نزہة الاسماع ۶۴.

- ۹- ابو زکریای نووی شافعی.<sup>۲</sup>
- ۱۰- ابو القاسم الرافعی الشافعی.<sup>۳</sup>
- ۱۱- مؤفق الدین بن قدامه الحنبلی.<sup>۴</sup>
- ۱۲- عماد الدین بن کثیر الشافعی.<sup>۵</sup>
- ۱۳- احمد بن حجر هیتمی.<sup>۶</sup>
- ۱۴- سلیم بن ایوب رازی شافعی.<sup>۷</sup>
- ۱۵- شهاب الدین الاذرعی الشافعی.<sup>۸</sup>
- ۱۶- ابوبکر بن منذر نیشابوری.<sup>۹</sup>
- ۱۷- برهان الدین عبدالحق حنفی.<sup>۱۰</sup>
- ۱۸- ابو الولید بن رشد القرطبی.<sup>۱۱</sup>
- ۱۹- جمال الدین برزی شافعی.<sup>۱۲</sup>

- 
- ۱- مجموع الفتاوی ۱۱، ۵۷۷.
  - ۲- کف الرعاع ۲، ۳۰۵.
  - ۳- کف الرعاع ۱، ۳۰۵.
  - ۴- ذم الشابة و الرقص ۲۷.
  - ۵- الکلام علی مسألة السماع ۴۷۲.
  - ۶- ذم الشابة و الرقص ۲۷.
  - ۷- کف الرعاع ۲، ۳۰۶ و ۳۰۷.
  - ۸- روح المعانی تألیف الوسی ۲۱، ۷۷.
  - ۹- الاقناع لابن المنذر ۱، ۲۴۸.
  - ۱۰- روح المعانی تألیف الوسی ۲۱، ۷۷.
  - ۱۱- الاقناع لابن المنذر ۱، ۲۴۸.
  - ۱۲- کف الرعاع ۲، ۳۰۱.

۲۰- عبدالله بن ابی عصرون شافعی.<sup>۱</sup>

۲۱- محمد بن احمد قرطبی مالکی.<sup>۲</sup>

۲۲- ابو جعفر بن جریر طبری.<sup>۳</sup>

۲۳- شمس الدین بن القیم جوزیه.<sup>۴</sup>

۲۴- ابو اسحاق شیرازی شافعی.<sup>۵</sup>

۲۵- شمس الدین جوهری شافعی.<sup>۶</sup>

۲۶- شرف الدین قدامه مقدسی حنبلی.<sup>۷</sup>

تعدادی از این امامان و پیشوایان دین یه بیست و شش نفر می‌رسد. رحمت الهی شامل حال همه‌شان باد. این‌ها همه از زمره بزرگان امت مسلمة به حساب می‌آیند. و می‌فرمایند: آوازخوانی و موسیقی به اجماع علمای اسلام حرام است و چنانکه علامه ابن حجر هیتمی می‌فرماید: کسی که در تحریم موسیقی و آواز اختلافی ذکر می‌کند، خطا و اشتباه کرده است و یا اینکه تابع خواهش‌های نفسانی شده است و گنگ و کور گشته و به بیراهه رفته است و گمراه شده است.<sup>۸</sup>

ابن حجر قول این اشخاص را رد کرده و می‌گوید: ساده و بسیط نیست که به این آسانی برای جواز موسیقی و آواز دلیلی یافت، بلکه اگر کسی از علما بخواهد دلیلی

۱- کف الرعاع ۳۰۱، ۲.

۲- تفسیر قرطبی ۵۴، ۱۴ و فتح الباری ۴۴۲، ۲.

۳- تنزیه الشریقه ۶۰.

۴- الکلام علی مسألة السماع ۱۰۶، ۱۱۷، ۱۲۱.

۵- کف الرعاع ۳۰۴/۲، ۳۰۸.

۶- کف الرعاع ۳۰۴/۲، ۳۰۸.

۷- کلام علی مسألة السماع ۴۶۶.

۸- الکلام علی مسألة السماع ۴۶۶ و کف الرعاع ۳۰۶، ۲، ۳۰۷.

برای حلیت و جواز پیدا کند باید مشکلاتی را متحمل شده و سرگردانی بکشد و طول عمر را برای پیدا کردن و یافتن دلیل اباحت سپری کند. باز هم توفیق نخواهد یافت.<sup>۱</sup> اما گاهی اتفاق می‌افتد که یک تعداد از مردم طرفدار موسیقی و آواز می‌کوشند که برای خود دلیل جواز پیدا نمایند، بنابراین می‌گویند: که ابن حزم موسیقی همراه آواز را جایز گفته است.

در پاسخ ایشان گفته می‌شود: آیا سخن ابن حزم ارزش مناقشه و رد دارد؟ زیرا ما در تحریم موسیقی و آواز آیات قرآنی و احادیث صحیح پیامبر را ذکر کردیم که دلالت صریح بر تحریم موسیقی و آواز خوانی دارد و همچنان در این رساله آرا و افکار صحابه رضی الله عنهم و تابعین (رحمهم الله) و ائمه چهارگانه (رحمهم الله) و بیست و شش عالم دین را که هر کدام به نوبه خود موسیقی و آواز را به صراحت تحریم کرده‌اند و همه گفته‌اند که تحریم موسیقی یک مسأله اجماع علمای اسلام است.

درباره تحریم این مسأله کلیه امت مسلمه به یک صدا و آواز اجماع نمایند. و در پیشاپیش آن‌ها علما و صحابه و تابعین قرار دارند که از کتاب الله و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حرمت آن را استخراج می‌کنند. اما ابن حزم در قرن پنجم می‌آید می‌گوید: موسیقی و آواز جواز دارد و حلال است. آیا می‌توان این همه اقوال را نادیده گرفت و به نظریه ابن حزم عمل کرد؟ این طرز فکر و پذیرفتن رای و نظر ابن حزم عجیب و غریب به نظر نمی‌رسد؟

فرض کنیم که سخن ابن حزم در این باره مورد بحث و مباحثه قرار بگیرد، در صورتی که علما می‌فرمایند: مخالفت و موافقت ابن حزم از اعتبار ساقط است؛ زیرا او در فروع به ظاهر می‌نگرد و در عقیده‌اش پیرو آئین جهمی می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱- کف الرعاع ۳۰۶، ۳۰۷.

۲- جهیم بن صفوان، مؤسس فرقه جهیمه که از جمله جبریه خاص‌اند و جهمی، اصحاب جهیم بن صفوان را گویند که بدعت خود را در ترمذ بنیان نهاد و در مرو کشته شد این شخص در نفی



ابن حزم در فلسفه اشیا غرق است و اگر این رساله مختصر گنجایش می داشت، تعدادی از مسایل مضحک و گریه دهنده مذهب وی را ذکر می کردم.

اگر کسی به کتاب المحلی رجوع کند در آن امور و مسایلی را مشاهده می کند که از فرط بی پروایی مؤلف،! پیشانی اش عرق می کند؛ زیرا او کسی است که بر دانش علما می تازد و ائمه را مورد انتقاد قرار می دهد و فکر می کند که جز او دیگران چیزی نمی دانند. وی تلاش می ورزد تا با اجماع مخالفت کند.

اما، ما از خداوند متعال یاری می جوییم و بر او توکل می کنیم و از او می خواهیم که از لغزش های او در گذر بفرمایند و وی را مورد عفو و بخشش خود قرار دهند. زیرا وی علما را به خاطر رد بر افکارش تا به امروز به دشواری و سرگردانی روبرو ساخته است. در این مورد به اقوال علما درباره ابن حزم به کتاب های ذیل مراجعه کنید. الصارم المنکی تألیف ابن الهادی.

فتاوی ابن الصلاح و کف الرعاع تألیف ابن حجر هیتمی.

کتاب ابن حزم و موقفه من الالهیات و سیر اعلام النبلاء تألیف ذهبی.  
و البیان و التحصیل تألیف ابن رشد.

---

صفات ازلی باری تعالی با معتزله موافقت داشت و بدین عقیده چیزهایی افزوده از اعتقاداتش یکی این است که بنده هیچ گاه نباید صفتی که خدا به آن موصوف است؛ موصوف باشد. چرا که تشبیه لازم می آید. ایشان صفت حق و علم را از خداوند سلب کرده و گفته اند که او قادر و فاعل است و خالق چرا که هیچ موجودی از مخلوقات او به صفت قادر و فاعل و خالق موصوف نیست. ایشان از جبریه خاص اند و با معتزله در نفی کردن صفات موافقند ولی در مسأله جبر و قدر با ایشان مخالفند و معتقد به جبراند و ایمان را فقط معرفت خدا می دانند. این گروه مورد تکفیر قدریه واقع شده اند. ملل و نحل شهرستانی ص ۷۹ ترجمه الفرق بین الفرق ص ۱۳۵ و توضیح الملل ص ۱۱۰ فرهنگ علم کلاما محمد ح اتمی.



## خاتمه

برادر و خواهر مسلمانم!

بعد از این شرح و بسط و تفصیل به خوبی درک کردید که حکم موسیقی و آواز خوانی در اسلام ابهامی ندارد و حرام است. و بر مسلمانی لازم است که از آن دوری بجوید و اماکن و محلات موسیقی و آواز را ترک کند و در این رابطه سهل انگاری نکند.

برادر و خواهر مسلمانم!

اگر با این گناه آلوده شده‌ای باید مطابق حکم خدا و رسولش عمل کرده و از آن اجتناب و توبه نمایی و اگر چنانچه با این آلات آلوده نشده‌ای باید شکر خداوندی را بجا آوری و بنده نیز از خداوند متعال خواستارم که تو را ثبات و پایداری نصیب بفرمایند.

تو باید به صفت یک ناصح و داعی مخلص برادران و خواهران مسلمان خود را آگاه کرده و حکم خدا و رسولش را در این مورد برای آن‌ها بیان کنی؛ زیرا دلایل کافی در این رساله کوچک در دسترس تو قرار دارد و اگر در دعوت و تبلیغ زبانی عاجز ماندی این رساله را به آنهایی که می‌دانی در معصیت و گناه موسیقی و آواز خوانی آلوده شده‌اند تقدیم کن و به آن‌ها بگو که این کتاب را بخوانند و متوجه شوند که هر مسلمان باید در مقابل اوامر الهی بدون چون و چرا تسلیم و منقاد باشد و معتقد گردد که حلال آن است که خداوند حلال گردانیده و حرام هم از جانب او تعیین شده است. چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: ۳۶]

«و شایسته هیچ مرد و زن مومنی نیست که هرگاه الله و رسولش دستوری را دهند [در برابر امر الله و رسول] از خودشان اختیاری داشته باشند و هرکس الله و رسولش را عصیان نماید به تحقیق به آشکاری گمراه گردیده است.»

و آن‌ها را آگاه بگردان که دل‌ها وقتی زنده می‌شود و به خود می‌آید که احکام الهی و سنت‌های پیامبر اکرم ﷺ را بجا بیاوند.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا تَحْيِيكُمْ ۖ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَخُولٌ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ ۚ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الأنفال: ۲۴]

«ای مؤمنان قبول کنید فرا خواندن خدا و رسول او را چون بخواند خدا شما را برای آنکه زنده سازد شما را و بدانید که خداوند حائل می‌شود در میان شخص و دل او و بدانید که به سوی او برانگیخته می‌شوید.»

کسی که در برابر امر خدا و پیامبرش تمرد می‌کند خداوند حائل و مانع واقع می‌شود میان او و دلش و وی را از حق باز می‌دارد.

و کسی که گمراه کند او را خداوند آن وقت هیچ کس نمی‌تواند او را هدایت کند. از خداوند متعال خواستارم که ما را به انجام اعمالی توفیق عنایت بفرماید که دوست دارند و به آن راضی می‌شوند و ما را از شمار کسانی قرار بدهند که سخن را شنیده و از بهترین آن پیروی کند و ما را تا دم لقاء الله بر حق استوار و عمل ما را خاص برای خود بگرداند و به خیر ما آن را حجت و دلیل قرار بدهند، نه به ضرر و زیان ما، و برای ما حق را حق جلوه بدهند و توفیق عمل عنایت بفرماید و باطل را، باطل معرفی کند و ما را از آن دور بگرداند و در یک دو راهی حیرت که میان حق و باطل را نتوانیم تشخیص بدهیم قرار ندهد.

خدایا! برای ما در دنیا و آخرت نیکی را ارزانی بفرما و ما را از عذاب دوزخ نجات عنایت بفرما.

خدایا! نویسنده، خواننده و مترجم و ناشر این رساله را و کسی که در نشر و چاپ آن می‌کوشد و به محتویات آن عمل می‌کند پیامرز و پدران و استادان و برادران و

خواهران و فرزندان ما را و هر کس از مؤمنان که بر ما حقی دارند عفو کن، برحمتک یا ارحم اراحمین.

اللهم صل وسلم وبارک علی عبدک ونبیک محمد وعلی آلہ وصحبہ وأتباعه إلی یوم الدین.

التماس دعا:

ابو سهیل عبدالرحیم سالارزهی